



شهر هزار مسجد

*هادی ربانی

چکیده

نویسنده مقاله به همراه ده نفر از دوستان فاضل و محقق خود در مهرماه ۱۳۸۷ سفری شش روزه به کشور ترکیه داشته و از مساجد و اماکن مذهبی استانبول، آنکارا و قونیه بازدید به عمل آورده است. او توصیفات را پیرامون مساجد مرادپاشا و سلطان احمد و سلطان سلیمان و سلطان بایزید، زینبیه، نورعثمانی، کجاطپه، حاج بایران، محمدیه به رشته تحریر در آورده و همچنین از مزار ابویوب انصاری، شمس تبریزی، مولانا و آتاتورک بازدید نموده و مشاهدات خود را بیان کرده است. در پایان نگاهی گذرا به وضعیت فرهنگی ترکیه داشته و در ۱۲ بند مطالب مفید خود را بیان نموده است.

کلیدواژه ها:

ترکیه، استانبول، آنکارا، قونیه، مساجد ترکیه، مزارات ترکیه

*پژوهشگر و نویسنده

مقدمات سفر

شیعی داشتیم. به دلیل فرصت کوتاه و فراوانی برنامه ها، اغلب بازدید و دیدارها با شتابزدگی انجام می گرفت تا بتوانیم بر تعداد برنامه های روزانه مان بیفزاییم.

اطلاعات ارائه شده در گزارش همه بر اساس دیده ها و شنیده هایی است که در طول سفر نگاشته ام. همچنین برداشت هایی که در ذیل برخی از عناوین آورده ام، از نکاتی است که در مدت کوتاه سفر بدان دست یافته ام. به واقع آنچه در این سفر کوتاه، دیده و شنیده و دریافته ام، به قلم آورده ام و بدین ترتیب به تعبیر جلال آل احمد یک «ارزیابی شتابزده» فراهم آمده است.

روز جمعه ششم مهر ماه مصادف با ۲۵ ماه مبارک رمضان، ساعت هفت صبح به سوی استانبول پرواز کردیم. از آسمان ترکیه، جاده های طولانی بسیاری در میان کوه ها و دشت ها دیده می شد که حکایت از شبکه های ارتباطی گسترده در این کشور می کرد. قبل از فرود هواپیما ساختمان های یک شکل و یک اندازه و شیروانی های یک رنگ شهر استانبول جلب توجه

پاییز ۱۳۸۷، به پیشنهاد یکی از دوستان که با نمایشگاه های خارجی کتاب، آشنایی و رفت و آمد دارد، همراه جمعی از دوستان، عازم استانبول شدیم؛ تا ضمن بازدید از نمایشگاه کتاب استانبول، گشت و گذار مختصری نیز در این شهر تاریخی و زیبا بکنیم. مقدمات سفر به سرعت و سهولت فراهم شد. البته سیاست های جذب جهانگرد و ورود بدون دریافت ویزا به ترکیه نیز از دلایل آسانی سفر به این کشور است.

در این سفر شش روزه که از جمعه ششم مهر آغاز و تا چهارشنبه یازدهم مهر ۱۳۸۷ پایان یافت، از سه شهر استانبول، آنکارا و قونیه بازدید کردیم. در این سفر با ده نفر از دوستان، که همگی از پژوهشگران و اهل قلم حوزوی یا دانشگاهی هستند، همسفر بودیم. همراهان عبارت بودند از: سید حسن اسلامی، سید محمد علی ایازی، رضا بابایی، محمدکاظم رحمان ستایش، حسین عزیزاده، حسین متقی، محمد مجتهدی، محمدمرادی، سید مصطفی مطبوعه چی و محمد نوری. درطول سفر علاوه بر بازدید از مکان های بسیار، چندین دیدار و گفت و گو نیز با شخصیت های علمی و

مسیر مترو و ایستگاه ها، جلب توجه می کرد. خانم هایی هم که حجاب ندارند اغلب فقط سرشان فاقد پوشش است. ساعتی را در دفتر مؤسسه کوثر بودیم تا به محل اقامتمان که در همان نزدیکی بود، نقل مکان کنیم.

مسجد مرادپاشا

قبل از حرکت به محل اقامت، با دو تن از دوستان به مسجد مرادپاشا که در حاشیه میدان آکسارا قرار داشت رفتیم. مسجدی با عظمت و سنگی که ساخت آن به قرن پانزدهم میلادی بازمی گردد. داخل مسجد بسیار تمیز بود و گنبدی بسیار بلند بر روی مسجد قرار داشت. در داخل گنبد و دیوارها، نقش های اسلامی حک شده است. در دوطرف مسجد هم رواق قرار داشت؛ مخصوص نمازگزاران بانوان. در محوطه حیات مسجد هم قبرهایی با سنگ هایی تراشیده بر روی آن ها قرار داشت.

مسجد سلطان احمد

پس از بازدید کوتاه از مسجد مرادپاشا، به همراهانمان در مؤسسه کوثر پیوستیم و از آن جا به محل اقامت که در همان نزدیکی بود رفتیم.

می کرد. ساعت ده در بخش اروپایی استانبول در فرودگاه آتاتورک فرود آمدیم. فرودگاهی بسیار بزرگ و منظم. فرودگاه کوچک تر دیگری در بخش آسیایی استانبول وجود دارد. کارهای ورودی به سهولت و بدون پرداخت عوارض ورود انجام گرفت. از داخل فرودگاه با پله برقی به سمت مترو که در زیر فرودگاه قرار داشت رفتیم. در ابتدای ورودی مترو منتظر راهنمایان بودیم. راهنمایان، آقای اوغر، جوانی بود از شیعیان استانبول که در قم، درس علوم اسلامی را خوانده بود و فارسی را می دانست.

با مترو به سوی دفتر مؤسسه کوثر، که در جنب ایستگاه مترو و در میدان آکسارا قرار داشت، آمدیم. مؤسسه کوثر، از شیعیان ترک تشکیل شده است که بیشتر دانش آموخته حوزه علمیه قم هستند و اکنون در ترکیه به فعالیت های دینی مشغول اند. فاصله سی کیلومتری فرودگاه تا میدان آکسارا را در زمان کوتاهی طی کردیم. جمعیت اندکی سوار مترو بودند و هیچ ازدحامی وجود نداشت. مترو در این مسیر بیشتر از زیر زمین و گاهی نیز از روی زمین می گذشت. زنان محجبه ترک از همان بدو ورودمان به فرودگاه و در طول

هم پیوسته ای جهت قرار دادن کفش در آن، آویزان بود. با کشیدن نایلون قطعه ای از آن جدا می شد. نایلون ها یک بار مصرف پس از خروج از مسجد در محلی که بدین منظور اختصاص داشت قرار می گرفت. تا کنون چنین تدبیری را در مساجد ندیده بودم. این کار در تمیزی مساجد تأثیر فراوانی دارد. همچنین برای ورود توریست های خانم به داخل مسجد روسری هایی در اختیارشان قرار می گرفت.

داخل مسجد نیز همچون نمای بیرونی اش بسیار با عظمت بود. گنبد بسیار عظیم و اصلی مسجد بر روی چهار ستون بسیار قطور نهاده شده بود که قطر هر ستون چند متر بود. گنبدی کوچک تر بر روی ستون های کوچک تر قرار داشت. مسجد به غایت تمیز بود. گرداگرد مسجد محل نمازگزارانی بانوان بود که که با قفسه جا کفشی کوتاه از صحن اصلی مسجد جدا می شد. به جای لوستر های بزرگ، شمعدان های قدیمی که با زنجیر آهنی از بالای مسجد آویزان بود و تا حدود دو متری کف مسجد می رسید، لامپ هایی در آن روشن بود. این کار به ظاهر در صرفه جویی برق نیز مؤثر است.

محل سکونت در طبقه هم کف یک ساختمان سه طبقه قرار دارد. پس از استراحتی کوتاه به سوی مسجد سلطان احمد محل برگزاری نمایشگاه کتاب حرکت کردیم. از کنار میدان آکسارا سوار قطار شهری شدیم و به سوی مسجد سلطان احمد حرکت کردیم. مسجد سلطان احمد در حاشیه میدان ایاصوفیا قرار دارد. مسجدی بسیار بزرگ و با گنبدی عظیم. این مسجد یکی از بناهای تاریخی بزرگ استانبول است که در قرن پانزدهم میلادی ساخته شده است. مسجد سلطان احمد نسبت به مساجد تاریخی ایران که توسط صفویه ساخته شده با عظمت تر است، ولی ظرافت معماری مساجد ایران بیشتر است.

نمایشگاه کتاب های دینی در دو صحن این مسجد برگزار بود. نخست از غرفه های صحن پایین بازدید کردیم. در گوشه ای از صحن مسجد کاروانی از توریست های اروپایی گرد آمده بودند. راهنمایان درباره تاریخ مسجد با آنان سخن می گفت. پس از ورود به صحن اصلی و پیش از بازدید ادامه غرفه ها، به داخل مسجد رفتیم. در مقابل درب ورودی محفظه ای قرار داشت، که از میان آن نایلن های یک بار مصرف به

پس از بازدید از داخل مسجد برای دیدن ادامهٔ نمایشگاه به صحن اصلی مسجد آمدیم. دوساعتی از نمایشگاه بازدید کردیم. کتاب‌ها اغلب به زبان ترکی استانبولی بود و با اندکی دقت می‌شد عنوان کتاب‌ها را خواند. چاپ و صحافی کتاب‌ها نسبتاً شکیل و مورد قبول بود. اطلاعاتی که از این نمایشگاه به دست آورده‌ام در ادامه ذیل عنوان مستقل می‌آورم.

کتاب‌های دینی

نمایشگاه کتاب‌های دینی همه ساله از پنج تا ۲۷ ماه مبارک رمضان از سوی سازمان دیانت ترکیه در استانبول و آنکارا برگزار می‌گردد. در استانبول نمایشگاه در دو صحن پایین و اصلی مسجد سلطان احمد تشکیل می‌گردد. صحن مسجد با غرفه‌بند‌های نسبتاً شکیل بدین منظور آماده می‌شود. ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه همه اهل سنت هستند. تا کنون به ناشران شیعه اجازهٔ حضور در این نمایشگاه داده نشده است.

سازمان دیانت ترکیه به ناشران شرکت‌کننده در این نمایشگاه تسهیلات ویژه‌ای جهت حضور آنها ارائه می‌کند. همچنین ناشران، کتاب

های خود را با تخفیف ده تا بیست درصدی ارائه می‌کنند. کتاب‌های ارائه شده در این نمایشگاه بیشتر در موضوعات عمومی دین - مانند قرآن و علوم قرآن، حدیث - تاریخ اسلام، تاریخ عثمانی و تراث اسلام است. بخشی نیز به ادبیات دینی کودکان اختصاص دارد. اغلب کتاب‌ها به زبان ترکی استانبولی است و مقدار اندکی نیز به زبان عربی. بخشی از کتاب‌های عرضه شده در نمایشگاه ترجمه از زبان فارسی است. کتاب‌های بسیاری از استاد مرتضی مطهری به زبان ترکی استانبولی ترجمه شده است. همچنین اغلب کتاب‌های دکتر علی شریعتی نیز به این زبان برگردانده شده است. برخی از آثار دکتر عبدالکریم سروش نیز به ترکی ترجمه شده است. دیگر نویسندهٔ ایرانی که همهٔ کتاب‌هایش بدین زبان برگردانده شده، دکتر سیدحسین نصر است. جالب است که کتاب‌های نویسندگان یاد شده را اغلب ناشران اهل سنت ترجمه و منتشر کرده‌اند.

بخش اندکی از کتاب‌های موجود در نمایشگاه در حوزه‌های غیر دین است. پاره‌ای از این کتاب‌ها در موضوع ادبیات و از زبان انگلیسی به ترکی استانبولی برگردانده شده است. بخشی

زمان کوتاهی می توان اطلاع یافت، کتاب درخواستی در سیستم توزیع موجود است یا نه؟ ناشران از طریق شبکه دیجیتال یکه‌پارچه با هم مرتبط هستند. یکی از همراهان می گفت در سال گذشته به دنبال تهیه کتابی بودم که در نمایشگاه نتوانستم آن را بیابم. در فاصله یک ساعت از طریق شبکه توزیع کتاب دریافتم که کتاب مورد نظرم در شبکه توزیع موجود نیست. به آسانی شماره تلفن مؤلف کتاب را به دست آوردم و با وی تماس گرفتم. مؤلف گفت نسخه های محدودی از کتاب در اختیارم هست. بعد از طریق یکی از ناشران در فاصله زمانی ۲۴ ساعت کتاب به دستم رسید. کتابفروشان بزرگی در شهر استانبول وجود دارند. مرکز اصلی این کتابفروشان بازار «صحاف لر» = صحافان است. بازار صحاف لر در نزدیکی «بازار بزرگ (grand bazar)» قرار دارد. این بازار مرکز اصلی تجمع کتابفروشان است.

پس از بازدید از نمایشگاه به سوی مسجد ایاصوفیا رفتیم تا از آن مکان بازدید کنیم. مسجد ایاصوفیا در ضلع دیگری از میدان ایاصوفیا واقع شده است. بلیط ورود بازدید از این مسجد

نیز از زبان فارسی در موضوعات ادبیات معاصر و کهن و تاریخ روابط ایران و عثمانی است که بدین زبان ترجمه شده است.

چاپ کتاب در ترکیه از کیفیت مطلوبی برخوردار است. سطح متوسط کتاب های ناشران ترکیه با ناشران درجه یک ایران برابری می کند. علت پیشرفت صنعت چاپ و نشر در ترکیه ورود صنعت چاپ آلمان به ترکیه است. حدود سه میلیون ترک در کشور آلمان سکونت دارند. این جمعیت پس از جنگ جهانی دوم در فاصله سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ به آلمان مهاجرت کرده اند و در این کشور مقیم شده اند. می گویند در تابستان گروه کثیری از ترک های مقیم آلمان برای بازدید آشنایان خود به کشورشان باز می-گردند. به گونه ای که تراکم جمعیتی بسیاری در این آمد و شد در فرودگاه های ترکیه به چشم می خورد. اقامت گسترده ترک ها در آلمان و مراوده آنان با کشورشان، در حوزه های مختلف ترکیه موجب پیشرفت آنها شده است. یکی از این حوزه ها، توسعه و پیشرفت در صنعت نشر این کشور است.

پخش کتاب نیز در ترکیه از پیشرفت مطلوبی برخوردار است. در مدت

بیست لیره بود. ولی زمان بازدید به پایان رسیده بود. سپس به طرف «توپ قاپی» که در کنار مسجد ایاصوفیا قرار داشت رفتیم. توپ-قاپی مرکز فرمانروایی عثمانی ها بوده است و اکنون از موزه های بزرگ و مکان های تاریخی مهم استانبول است. زمان بازدید آنجا نیز به پایان رسیده بود.

از بیرون مناظر اطراف توپ قاپی و مسجد ایاصوفیا و مکان های تاریخی دیگر را که در آن محدوده قرار داشت دیدیم. این مکان های تاریخی از طریق خیابان باریکی به دریا منتهی می شد. پس از چند دقیقه پیاده روی و عبور از خیابان های باریک و تاریخی به ساحل رسیدیم. کف بخشی از این خیابان ها سنگفرش بود. خانه هایی که در مسیرمان قرار داشت اغلب قدیمی و برخی نیز چوبی بودند. به نظر می رسید نخواستند اند بافت قدیمی این منطقه را با بناهای جدید تغییر دهند.

در کنار ساحل مردی در حال ماهیگیری بود. به جز او و همراهان که روی سنگ های بزرگی دریا را تماشا می کردیم، کس دیگری در ساحل نبود. کشتی های کوچک و بزرگ بسیاری در دریا آمد و شد داشتند. از دور یکی از سه پلی که منطقه آسیایی و اروپایی

استانبول را به هم متصل می کرد دیده می شد. باران نم نم می بارید. هوا نیز بسیار دلپذیر و خنک بود. پس از چند دقیقه توقف در ساحل از راه دیگری به طرف مسجد سلطان احمد بازگشتیم. مسیر بازگشتمان نیز از میان خیابان های باریک و ساختمان های کهن می-گذشت. از مسیری که برگشتیم دقیقاً به پشت مسجد سلطان احمد رسیدیم.

مراسم شب قدر

نزدیک افطار بود. اطراف مسجد سلطان احمد، رستوران ها و غذاخوری های فراوانی مملو از جمعیت روزه دار بود که انتظار افطار را می کشیدند. برخی از خانواده ها نیز در صحن پایین مسجد سفره غذای خود را پهن کرده و منتظر افطار بودند. به داخل مسجد رفتیم و نماز را به جماعت خواندیم. هوا کمی سرد شده بود. جمعیت زیادی در مسجد نماز گزارند. امشب شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان به افق استانبول است. شبی که اهل سنت نیز آن را شب قدر می دانند. در این شب مراسم با شکوهی برگزار می شود. این مراسم سه ساعت پس از نماز مغرب آغاز می گردد. خطیب مسجد،

بدون حجاب معمولاً فاقد پوشش روی سر هستند. برهنگی و خودآرایی چندان در خانم‌ها محسوس نیست. نکته دیگر همزیستی بانوان محجبه و بدون حجاب است. در غذاخوری-های اطراف مسجد و میدان ایاصوفیا خانم‌های فاقد حجاب و بانوان محجبه حضور داشتند و منتظر بودند زمان افطار فرا رسد تا روزه خود را باز کنند.

۲

روز شنبه هفتم مهر صبحانه را در محل اقامت خوردیم. باران نم نم می بارید. هوا هم کمی سردتر شده است. می گویند هوای استانبول قابل پیش بینی نیست. تغییر هوا زود به زود انجام می گیرد. به همراه جمعی از دوستان با دو تاکسی به سمت مقبره ابویوب انصاری حرکت کردیم. مقبره ابویوب انصاری در منطقه اروپایی استانبول و در کنار ساحل قرار دارد.

مزار ابویوب انصاری

زیر بارش باران وارد محوطه مقبره شدیم. درخت کهنسال بزرگی در حیات مقبره قرار داشت. گرداگرد این درخت نرده کشیده شده است و در چهار گوشه نرده ها شیر آب خوری قرار

پس از اقامه نماز جماعت عشا و نماز «تراویح»، به منبر می رود و به ایراد خطبه می پردازد. این خطبه معمولاً حاوی پند و اندرز و موعظه است. مراسم احیای شب قدر تا دیر وقت ادامه می یابد و حاضران در این مراسم به رسم معهود در میان اهل سنت، به تلاوت فردی قرآن، اقامه نماز و راز و نیاز فردی به درگاه خداوند می پردازند. همراهان خسته بودند. برای شرکت در مراسم نماندیم. فقط دو تن از دوستان ماندند تا در مراسم شرکت کنند. با قطار شهری به محل سکونت باز گشتیم. در بازگشت این فکر رهایم نمی کرد که چگونه در کشور ترکیه این همه مسجد و آن هم با بناهای عظیم است. تا کنون چنین تصویری از ترکیه نداشتیم. به هر سو رو می کنیم مسجد با عظمت و کهنی با مناره های بلند در برابرمان نمایان می شود. این مساجد اغلب در زمان عثمانی ها ساخته شده اند. ظاهر مسجد با تأثیر از فرهنگ رومی ها بنا شده است و داخل مسجد از معماری اسلامی برخوردار است.

از نکات دیگری که برایم جالب توجه بود مسلمانان ترکیه است. بخصوص خانم ها که اغلب از پوشش کامل اسلامی برخوردارند. خانم های

داشت. زائران بسیاری، که اغلب هم خانم و با پوشش کامل اسلامی بودند، برای زیارت مقبره در محوطه حضور داشتند و با بطری-های آبی که در دست داشتند، از شیر های آبخوری چهار گوشه اندکی آب بر می داشتند و آن را برای تبرک می نوشیدند. ظاهراً این کار بر اساس اعتقادی که بدان داشتند انجام می گرفت. در تابلویی که در نزدیکی آن مکان نصب شده بود، از بستن نخ به درخت و کارهای دیگر نهی شده بود. ولی خانم هایی که گروهی در محوطه حضور داشتند، بدون توجه به این تذکرات رو به درخت کهن مشغول نیایش بودند. به یکی از دوستان گفتم مقبره ابویوب، همچون مقبره میرزای قمی در شیخان قم است که بیشتر مشتری هایش خانم ها هستند.

از حیات وارد محوطه مقبره شدیم. قبر در میان ضریح قرار گرفته است و ضریح در حصار نرده ای قرار داشت تا کسی به آن نزدیک نشود. زائران بسیاری که در محوطه حضور داشتند، با ازدحام از کنار نرده رو به قبر ادای احترام می کردند و می گذشتند. در گوشه ای از محوطه هم نقش پای منسوب به پیامبر(ص) در داخل

محفظه ای قرار داشت. زائران در مقابل آن هم ادای احترام می کردند. همراهان با متولی مقبره صحبت کردند تا اجازه داده شود به کنار ضریح برویم. متولی گفت باید با مسجد سلطان احمد هماهنگ کنیم. در گوشه ای ایستادیم تا هماهنگی انجام گیرد. در همین حین یکی از همراهان، که تحت تأثیر شلوغی جمعیت و ازدحام آنان قرار گرفته بود، جوگیر شد و با صدای بلند به لهجه عربی برای پیامبر(ص) صلوات فرستاد. با آن که کسی از دوستان او را همراهی نکرد، محترمانه عذرمان را خواستند و به طرف درب خروج راهنمایی مان کردند. در مکان های مذهبی ترکیه سکوت کامل حاکم است و هر کس به تنهایی مشغول عبادت است. کاری که از دوستان سرزد، برای آن ها بسیار غیر منتظره بود.

از مقبره بیرون آمدیم و به داخل جامع ابویوب که در کنار مقبره قرار داشت رفتیم. مسجدی بزرگ و با عظمت؛ همچون سایر مساجدی که در عصر عثمانی ها ساخته شده است.

نکته ای که از دیروز و پس از بازدید مسجد سلطان احمد ذهنم را مشغول کرده است، حضور جهانگردان بسیار بدون هیچ منعی در مکان های مذهبی

چشم می خورد. قبرها بیشتر به سران عثمانی اختصاص دارد. تاریخ برخی از آنها به دو قرن پیش بر می گردد. بر روی قبرها سنگ های تراشیده ای نصب شده است. برخی از این سنگ ها نشان عمامه است که عثمانی ها بر سر می گذاشتند. برخی دیگر نشانه هایی است که حکایت از شغل و منصب آنها دارد.

از محوطه که بیرون می آیم با طی مسیر کوتاهی به کنار ساحل می رسیم. باران همچنان نم نم می بارد. کشتی های بسیاری در دریا در حال عبورند. پس از توقفی کوتاه به محوطه مقبره ابویوب باز می گردیم. اطراف مقبره را مغازه های مختلفی فرا گرفته است. از آنجا به دفتر مؤسسه کوثر باز می گردیم. قرار ملاقاتی با آقای دکتر حسین حاتمی از دانشوران شیعی و مشهور ترکیه داریم.

دکتر حاتمی کامل مردی شیعه و در رشته حقوق خصوصی تحصیل و تدریس کرده است. اکنون بازنشسته است. از سفرهای مختلفش به ایران گزارش کوتاهی داد. وی به خوبی به فارسی سخن می گفت و آثار فارسی را براحتی مطالعه می کند. می گفت فارسی را خود فرا گرفته است و

و حتی داخل مساجد است. فتوای علمای اهل سنت را در این موضوع نمی دانم. ولی دو مسجدی را که تا کنون دیده ایم، جهانگردان - اعم از آقا و خانم - آزادانه وارد مسجد می شوند و پس از تصویربرداری و بازدید بیرون می آیند. البته خانم های توریست هنگام ورود به داخل مسجد، از روسری هایی که در مقابل درب قرار دارد برداشته، روی سرشان می اندازند.

از جامع ابویوب انصاری بیرون می آیم. در میان همراهان این بحث در گرفته که آیا مقبره ابویوب می تواند همان ابویوب انصاری باشد یا نه؟ بر روی کتیبه ای سنگی در محوطه میان مقبره و مسجد درباره ابویوب انصاری چنین نگاشته شده است: «ابویوب در رکاب یزید بن معاویه می جنگید. در میانه جنگ بیمار شد. یزید به ملاقات او آمد. ابویوب گفت اگر مرگ من فرا رسید، در سرزمینی که خاک نرم داشت مرا به خاک بسپارید. از این رو وی در این مکان مدفون شد.» به نظر می رسد در آن زمان مسلمانان برای تسخیر روم که اکنون ترکیه نام گرفته است می جنگیده اند.

در اطراف مقبره و مسجد، قبرهای فراوانی با حصار نرده های آهنی به

مسجد سلطان بایزید

پس از نهار و اندکی استراحت پیاده به سمت مسجد جامع سلطان بایزید حرکت کردیم. مسجد با عظمت دیگری از بناهای عصر عثمانیان. در کنار جامع سلطان بایزید، مقبره سلطان بایزید قرار گرفته بود. در داخل مقبره، قبر برآمده و بزرگی قرار داشت و فضای داخل مقبره از معماری اسلامی بسیار زیبایی برخوردار بود.

پس از بازدید از مجموعه سلطان بایزید، پیاده به «بازار بزرگ grand bazar» که در همان نزدیکی بود رفتیم. بازاری بسیار بزرگ و تاریخی. در دو سوی آن با فاصله های کوتاه بازارهای فرعی قرار داشت. بیشتر بازدید کنندگان بازار جهانگردان بودند. مقداری از بازار را دیدیم و به اول آن برگشتیم. از کنار این بازار به بازار «صحاف لر» (= صحافان) راه داشت که مرکز تجمع کتابفروشان استانبول است. به دلیل فرصت کم از کنار آن گذشتیم. نزدیک افطار بود. در بازگشت در کنار جامع سلطان بایزید چادر بزرگی بپاشده بود. مشغول چیدن غذا روی میزها بودند و جمعیت بسیاری در اطراف چادر صف کشیده بودند تا در

تخصص اصلی اش مولوی شناسی است. در آغاز دیدار، وی با تعجب از جمع پرسید چگونه ممکن است عارفی همچون شیخ رجبعلی خیاط با مولانا اینگونه برخورد کند؟ اشاره او به مطالب و اعتراضاتی بود که در شرح حال شیخ رجبعلی از وی نقل شده است. حاضران در پاسخ وی نکته های مختلفی گفتند. از جمله به جایگاه شیخ رجبعلی اشاره کردند که عارفی عوام بوده است و نظر او جنبه علمی ندارد. یکی از همراهان نیز گفت رویایی که او درباره مولانا اظهار می دارد از کجا معلوم است که رویای صادق باشد. با این پاسخ ها کمی از تعجب وی کاسته شد.

در این دیدار دکتر حاتمی با طرح سؤالاتی که در ذهن داشت و در ترکیه مطرح است - همچون شبیه سازی و اجرای قوانین جزایی - جلسه را به پاسخ یابی به سؤالات خویش سمت و سو داد. برخی از همراهان در دو موضوع یاد شده صاحب اثر بودند. دکتر حاتمی مشخصات آثار آنان را گرفت. با موضوعاتی که طرح شد عملاً نتوانستیم از ایشان اطلاعاتی درباره ترکیه به دست آوریم. تا اندکی از ظهر گذشته جلسه ادامه یافت. وی از دیدار همراهان اظهار خوشحالی کرد.

در نظر گرفته شده بود. قبل از رفتن به این جزیره، به سوی مسجد سلطان سلیمان، که در مسیرمان قرار داشت، رفتیم.

مسجد سلطان سلیمان

با تاکسی به مسجد سلطان سلیمان آمدیم. مسجد بسیار بزرگ و با عظمتی بود. به نظر می آید بزرگ ترین مسجد استانبول باشد. مسجد در دست تعمیر بود. از بخش هایی از آن بازدید کردیم. در کنار مسجد چند مقبره وجود داشت. یکی از آن ها، مقبره سلطان سلیمان قانونی بود. در کنار آن قبر مادر و دخترش قرار داشت. سلطان سلیمان قانونی، بزرگ ترین سلطان عثمانی بوده است. در محوطه میان مقبره ها و مسجد، قبرهای قدیمی بسیاری بود که سنگ های تراشیده ای روی آن ها قرار داشت و هر یک نشان شغل و جایگاه صاحبان قبر بود. جهانگردان دیگری هم در حال بازدید از مجموعه بودند. روسری هایی در کنار درب ورودی مسجد قرار داشت که جهانگردان خانم هنگام ورود روی سر خود می انداختند. پس از بازدید از این مجموعه، پیاده به طرف بازار مصری ها حرکت کردیم. با عبور از چند خیابان قدیمی به این بازار

ضیافت افطار شرکت کنند.

افطار را در منزل یکی از همکاران مؤسسه کوثر مهمان بودیم. افطار خوبی تدارک دیده بود. با برنج نیم دانه مخلوط با رشته و برنج سفید دیگری که به صورت کته پخته شده بود از میهمانان پذیرایی کردند؛ همراه با مرغ و گوشت.

پس از افطار یکی از مسئولان مؤسسه کوثر توضیحاتی درباره شیعیان ترکیه داد که خلاصه آن چنین است: ترکیه بیش از هفتاد میلیون جمعیت دارد. از این تعداد ۲۵ میلیون علویان هستند که پایبند به شریعت نیستند. فقط روزهای پنجشنبه در «جمع خانه» گرد هم می آیند و طی مراسمی عمل مذهبی خود را به جای می آورند. این گروه فقط به حضرت علی(ع) عشق می ورزند و به سایر اعمال مذهبی پایبندی ندارند. حدود دو میلیون نفر شیعه در ترکیه زندگی می کنند. پانصد هزار نفر از آنان در استانبول ساکن اند و حدود سی مسجد دارند.

۳

یکشنبه هشتم مهر صبحانه را در محل اقامت خوردیم. در برنامه امروز بازدید یکی از جزیره های استانبول

رسیدیم. همراهان مقداری خرید کردند. سپس برای بازدید از جزیره «حییل»، از ساحلی که در همان نزدیکی بود سوار کشتی شدیم. بهای بلیط کشتی یک لیره بود. معادل هفت صد و پنجاه تومان به پول ایران. بهای بلیط قطار شهری و مترو نیز به همین مبلغ است. بیش از یک ساعت با کشتی در حرکت بودیم. کشتی از میان دو طرف اروپایی و آسیایی استانبول در حرکت بود. از طبقه دوم کشتی مناظر دو طرف را تماشا می کردیم. پس از پیاده و سوار کردن مسافران در چند جزیره به، «حییل آیدا» رسیدیم. «آیدا» به زبان ترکی به معنای جزیره است.

از کشتی پیاده شدیم. کمی از ظهر می گذشت. ناهار را در کنار ساحل کباب ترکی خوردیم. جزیره سرسبز با پوشش گیاهی فراوان در بلندی قرار داشت. پس از سه ساعت توقف در جزیره و گشت و گذار با درشکه روی تپه های سرسبز جزیره به کنار ساحل آمدیم. در جزیره هیچ ماشینی تردد نمی کرد و رفت و آمدها با درشکه انجام می شد.

مسجد زینبیه

سوار کشتی شدیم و به استانبول برگشتیم. قرار بود شب با شیعیان زینبیه دیدار داشته باشیم. از طریق قطار شهری و مترو به محل زینبیه رفتیم. آقای حمید سعادت مند مسئول زینبیه درباره شیعیان استانبول و فعالیت-هایشان این توضیحات را بیان داشت: شیعیان استانبول همگی مهاجرانی هستند که برای کار به استانبول آمده اند. در سال ۱۹۷۹ در این منطقه مسجدی را به نام زینبیه ساختم. یک سال پیش از پیروزی انقلاب بود. پس از پیروزی انقلاب فشار بسیاری روی ما بود. شیعیان را «خمینی چی(یاران امام خمینی)» و جاسوسان ایران می دانستند. برخی از دوستان ما حتی در این راه به زندان هم افتادند. در سال ۱۹۸۲ مخالفان افراطی به دولت فشار می آوردند که بساط ما را جمع کنند. ما در معرض خطر قرار داشتیم. برای این که از زیر این فشار بیرون بیاییم، در نقاط دیگر شهر مکان هایی را به صورت چادر به عنوان مراکز جدید عبادی شیعیان به وجود آوردیم. با گسترش فعالیت شیعیان، فشار از روی ما برداشته شد. به مرور شیعیان مهاجر شهرهای دیگر نیز به این منطقه که زینبیه در آن قرار دارد، مهاجرت کردند.

روز قبل از عید فطر و سه روز پس از آن در ترکیه تعطیل عمومی است. این تعطیلات همانند تعطیلات عید نوروز ماست. تاکنون چند نفر به ما گفته اند چرا این زمان را برای مسافرت انتخاب کرده-اید؟

مسجد نور عثمانی

از محل اقامت تا توپ قاپی بیست دقیقه پیاده راه بود. در مسیر که می رفتیم از مسجد نور عثمانی بازدید کردیم. از مساجد با عظمت عثمانی است که ساخت آن در سال ۱۷۴۸ آغاز و در سال ۱۷۵۵ تکمیل شده است. ارتفاع گنبد ۴۶ متر و ارتفاع گلدسته ها ۶۵ متر است. صدا در داخل مسجد به صورت آگوستیک پخش می شد. متصدی مسجد که فهمید ایرانی هستیم، احساسات ضد اسرائیلی اش را با شدت ابراز می کرد و در حالی که مشتش راه گره زده و تکان می داد، می گفت احمدی نژاد، امریکا را نابود خواهد کرد.

مجموعه تاریخی توپ قاپی

مسیر را ادامه دادیم تا به «توپ قاپی» رسیدیم. بلیط ورودی آن ۲۰ لیره بود. معادل پانزده هزار تومان به

زمانی که ما در این منطقه مستقر شدیم، خانه های محدودی در این جا وجود داشت. به مرور جمعیت فراوانی در این منطقه مستقر شدند. به همین دلیل نام خیابان اصلی این منطقه را شهرداری «زینبیه» نام گذاری کرد.

در سال های اخیر مراسم های باشکوهی در ایام محرم در این منطقه برگزار می کنیم که برخی از اهل-سنت هم در آن شرکت می کنند. در مراسم سال گذشته بیش از سیصد هزار نفر حضور داشته اند. در این منطقه، میدانی هم به نام «عاشورا» نام گذاری شده است. از فعالیت های دیگر ما اجرای برنامه های ماهواره ای است که از طریق اجاره کردن ماهواره، این برنامه ها را اجرا می کنیم. در این نزدیکی زمینی به مساحت سیزده هزار متر مربع گرفته ایم. برنامه های گسترده ای برای فعالیت های آینده در این مکان داریم. در پایان دیدار، نمونه ای از نرم افزارهای تولید شده، نشریه و کتاب هایشان را به دوستان هدیه دادند.

ع

دوشنبه نهم مهر پیاده به قصد بازدید از موزه «توپ قاپی» حرکت کردیم. در این روزها همه جا تعطیل است. سه

پول ایران. جمعیت بسیاری که همه جهانگرد بودند در اطراف توپ قاپی در تردد بودند. از میان شلوغی و ازدحام به سختی داخل رفتیم. توپ قاپی محل حکمرانی عثمانی ها در استانبول بوده است. موقعیت جغرافیایی آن استثنایی است. برخی مکان های آن از دو ضلع در حاشیه دریا قرار دارد و حصارهای قدیمی اطراف آن را در بر گرفته است. مجموعه های مختلف کاخ تبدیل به موزه شده و آثار تاریخی برجای مانده از عثمانی ها و تاریخ کهن این منطقه نیز در آن به نمایش درآمده است. از وسایل آشپزخانه گرفته تا ظروف سفالی، لباس ها، زیور آلات، تجهیزات نظامی، قرآن های خطی و اشیای بسیار کهن دیگری نیز در بناهای تاریخی مختلف این مجموعه عظیم به نمایش درآمده بود. محیط داخل توپ قاپی از درختان کهن پوشیده است. چشم انداز زیبایی دریا به این مجموعه، زیبایی خاصی داده است. کشتی های بزرگ و کوچک از برابر این کاخ کهن در حال تردد بودند. پس از بازدید از مجموعه توپ قاپی، با قطار شهری به محل اقامت بازگشتیم.

مؤسسه کوثر

بعد از ظهر با مدیران ارشد مؤسسه دینی کوثر جلسه داشتیم. آقای حاج قدیری خلاصه ای از فعالیت های این مؤسسه را چنین بیان داشت: این مؤسسه در سال ۱۹۹۲ به همت چند تن از طلاب درس خوانده در حوزه علمیه قم بنا شده است. فعالیت های مؤسسه در چند محور انجام می گیرد:

۱. انتشارات: در این بخش از طریق ترجمه و تألیف کتاب تاکنون نزدیک به یک صد جلد کتاب منتشر کرده ایم،
۲. سمعی بصری: در این قسمت به تولید نرم افزارهای مذهبی و دوبله (صدا گذاری) فیلم ها و سریال های ایرانی مشغول هستیم؛ همچون سریال «امام علی(ع)» و فیلم «روز واقعه». در ترکیه حرفه دوبله بسیار قوی است. برخی از این سریال ها و فیلم ها را بهتر از زبان اصلی دوبله کرده ایم. ۳. اعزام مبلغ: در این زمینه مبلغان را به مناطق مختلف ترکیه اعزام می کنیم. ۴. برنامه های ماهواره ای: در این حوزه، برنامه هایی داریم که در آینده اجرا خواهیم کرد، مکانی هم به مساحت هشت صد متر تهیه کرده ایم که در آنجا برای توسعه برنامه ها استفاده خواهیم کرد؛ از جمله تأسیس یک کتابخانه. کتاب هایی را که ترجمه و چاپ می کنیم،

سه‌شنبه دهم مهر: از دیشب در قطار هستیم. واگنمان اتوبوسی است. در هر ردیف سه صندلی قرار دارد. دو صندلی در یک طرف و یک صندلی در طرف دیگر. درهای واگن‌ها برقی است و داخل قطار بسیار تمیز است. براحتی در روی صندلی استراحت کردیم. چند دقیقه‌ای است که برای نماز بیدار شده‌ایم. وضو ساختیم و در میان صندلی‌ها، در حالی که قبله را حدودی به دست آوردیم، با پهن کردن زیرانداز و مهر نماز گذاردیم. کوچک‌ترین اعتراضی از سوی کسی به ما نشد. هوا کم‌کم در حال روشن شدن است. قطاری که با آن در حرکتیم برقی است. به دلیل کمبود انرژی سوختی در ترکیه، همه قطارهای شهری و بین شهری برقی است.

در مسیر ریلی که در حرکت هستیم، ریل دیگری برای برگشت در کنارمان قرار دارد. با فاصله حدود صد متر آن طرف تر، دو ریل دیگر برای رفت و برگشت وجود دارد. روی همه ریل‌ها، سیم‌های برق قطار امتداد دارد. در فاصله‌ای با حدود سیصد متر هم بزرگراهی با دو بانده دیده می‌شود که

برای کتابخانه‌های مهم و دانشگاهی ارسال می‌کنیم و مورد استقبال هم قرار می‌گیرد. برای نمونه ترجمه «تفسیر المیزان» در میان اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است. برخی از دوستان پیشنهادهایی در زمینه موضوعات انتشار کتاب بخصوص در حوزه مخاطبان عمومی طرح کردند. همچنین درباره چگونگی برخورد با اهل سنت و اجتناب از حرکت‌های اختلاف‌انگیز نکاتی را بیان کردند.

پس از جلسه فرصت اندکی برای خرید داشتیم. با عجله از اطراف میدان آنکارا مقداری خرید کردیم. دست فروشان بسیاری در اطراف این میدان و خیابان‌های منتهی بدان در حال عرضه کالای خود بودند. برنامه بعدی رفتن به آنکارا بود. با قطار شهری به یکی از اسکله‌های استانبول به نام «کراکای» آمدیم. سوار کشتی شدیم و پس از نیم ساعت به اسکله «حیدر پاشا» رسیدیم که ایستگاه قطار در آن قرار داشت. ساعت ۱۱،۳۰ دقیقه به طرف آنکارا حرکت کردیم. اکنون که این سطور را می‌نویسم داخل قطار هستیم. ساعت از دوازده نیمه شب گذشته است. تصمیم داریم پس از رسیدن به آنکارا، به قونیه برویم.

مرقد شمس تبریزی

در مسیر ورودی شهر قونیه ساختمان‌های زیبایی قرار داشت. قطار شهری نیز در شهر در حال جابجایی مسافران بود. پس از پرس و جو در کنار مرقد مولانا توقف کردیم. امروز در ترکیه عید فطر است. به همین دلیل، صبح، موزه و مرقد مولانا تعطیل بود. ساعت ۱,۳۰ بعد از ظهر، زمان باز شدن مرقد بود. در این فاصله به دیدن مرقد منسوب به شمس تبریزی رفتیم. البته مرقد شمس تبریزی به تصریح مورخان در خوی قرار دارد. پس از عبور از منطقه‌ای نسبتاً قدیمی، وارد میدان کوچکی شدیم. مرقد و مسجدی در حاشیه این میدان قرار داشت. قبر شمس در گوشه‌ای از مسجد واقع شده است. داخل مسجد شدیم. چند زن در حال نیایش در کنار مرقد بودند. در فاصله‌ای که در مسجد بودیم چند زن دیگر نیز وارد شدند. دو نفر از آنها پیر بودند و به سختی راه می‌رفتند. گفتند از سوریه آمده‌اند. به نظر آمد بیشتر مشتری‌های مرقد شمس خانم‌ها هستند. خانمی ایرانی نیز با پسر هفت هشت ساله‌اش در کنار مرقد مشغول نیایش بود.

ماشین‌های کمی آمد و شد دارند. در دو طرف مسیری که در حرکت هستیم، زمین‌های کشت گندم و جو قرار دارد که محصول آن را برداشته‌اند.

ساعت ۸ صبح به آنکارا رسیدیم. فاصله استانبول تا آنکارا حدود ۶۰۰ کیلومتر بود. از ایستگاه راه آهن با مینی‌بوسی که در انتظارمان بود. به سمت قونیه حرکت کردیم. نم نمک باران می‌بارید و هوا نسبتاً سرد بود. ساختمان‌های شهر آنکارا نسبت به استامبول شیک‌تر و تمیزتر بود و اغلب آپارتمانی است. فقط در ورودی شهر خانه‌هایی ویلایی دیدیم. فاصله آنکارا تا قونیه حدود ۲۵۰ کیلومتر است.

جاده‌ای که به طرف قونیه می‌رفتیم دو مسیر مستقل و نسبتاً خوب بود. دو طرف جاده سرسبز و مزارع کشاورزی فرا گرفته بود. پمپ‌بنزین‌های فراوانی در فواصل کوتاه در مسیر قرار داشت. پمپ بنزین‌ها خلوت و اغلب بیش از یک ماشین ندیدیم که در حال سوخت‌گیری باشد. در کنار پمپ‌بنزین‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌های بزرگ و شیکی قرار دارد. در یکی از این رستوران‌ها صبحانه خوردیم. سه ساعت بعد در قونیه بودیم.

حالت رقص و سما را نشان می داد و چند مجسمه هم در حال گفتن ذکر و ورد بودند.

بخش اصلی بنا، خانقاهی بوده است که اکنون مرقد مولانا در آن قرار دارد. در کنار قبر مولانا، قبرهای بسیار دیگری نیز قرار داشت که همه از زمین بالاتر بودند. قبر مولانا از همه بر آمده تر بود. سقف مرقد، مدور و گنبدی است. در کنار قبرها، اشیای باقی مانده از روزگار کهن به نمایش گذاشته شده است. از لباس‌های صوفیان گرفته تا کلاه و در بخش دیگری نسخه‌های خطی از قرآن، مثنوی، حتی نسخه‌ای خطی از حافظ هم به نمایش گذاشته شده بود. در بخشی هم تار مویی منسوب به پیامبر(ص) قرار داشت که برخی شیشه روی آن را می‌بوسیدند.

هنگام ورود به مرقد مولانا، بازدید کنندگان پلاستیک‌های کشدار یک‌بار مصرفی را به پا می‌کردند تا کف زمین آلوده نشود. از داخل مرقد که بیرون آمدیم، در محوطه دیگری اتاق‌هایی قرار داشت که محل استقرار برخی از عرفا بوده است. در این اتاق‌ها، مجسمه‌های آنها قرار داشت. و در سالن کنار این اتاق‌ها، برخی از لوازم آنان، مانند کشکول و تصاویر عرفا و ...

پس از بازدید از مزار شمس تبریزی به سوی مرقد مولانا بازگشتیم. ظهر شده بود و وقت نماز بود. در مسجد بزرگ کنار مرقد نماز ظهر را خواندیم. اطراف مسجد و محوطه مرقد مولانا بسیار شلوغ و اغلب جهانگرد بودند. همه منتظر باز شدن درب مرقد بودند. در فاصله باز شدن موزه و مرقد، با یکی از دوستان به دیدن قبرستانی که کنار مرقد مولانا قرار داشت رفتیم. قبرستان بسیار بزرگ و نسبتاً سرسبز و با سنگ‌های برافراشته شده بر سر قبرها بود.

مرقد مولانا

ساعت ۱،۳۰ به جلوی مرقد بازگشتیم. به مناسبت روز عید فطر، ورودی ۲۰ لیری مرقد و موزه رایگان بود. به سختی از میان شلوغی و ازدحام وارد محوطه شدیم. مجموعه مقبره مولانا تبدیل به موزه شده است. در محوطه مرقد، دو مقبره کوچک قرار داشت. در هر یک از آنها قبر بزرگی قرار داشت که مربوط به عرفای گذشته بود. ساختمان دیگری که آن نزدیکی قرار داشت، آشپزخانه خانقاه بوده است. در این ساختمان در کنار وسایل آشپزی قدیمی، مجسمه دو درویش با

به نمایش گذاشته شده بود.

به جز جهانگردان، برخی از معتقدان به مولانا نیز به زیارت مرقد آمده بودند. نحوه حضور و اظهار ارادت و نیایش آنها در محوطه مقبره، متفاوت از دیگران بود. در محوطه پشت مقبره مولانا نیز قبرهایی با سنگ‌های بزرگ بر روی آنها وجود داشت.

پس از بازدید از مرقد مولانا، ناهار را در میدان بزرگی که در آن نزدیکی بود خوردیم. در وسط میدان بنای قدیمی و کهنی وجود داشت که بخش‌هایی از آن به عنوان آثار تاریخی نگهداری می‌شد. این بنا، قصر «علاء الدین کیقباد» نام داشت. وی سلطان زمان مولوی بوده است. پس از گشت و گذار در اطراف این میدان بزرگ و سرسبز، اندکی نیز خرید کردیم. سپس به طرف آنکارا حرکت درآمدیم. حدود ساعت نه شب به خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در آنکارا رسیدیم. ساختمان خانه فرهنگ در موقعیتی بالاتر از شهر قرار داشت و نمای زیبایی از شهر به چشم می‌خورد. این منطقه محل استقرار سفارت خانه‌های خارجی است. در نمازخانه خانه فرهنگ، ایرانیان مقیم آنکارا در حال آماده شدن برای اقامه نماز جماعت بودند.

شنیدیم در ایران ماه رؤیت شده است و فردا عید است. در ترکیه تعطیلات عید، شش روز است خیابان‌ها خلوت است. در سه روز از این تعطیلات بلیط اتوبوس‌ها رایگان است. به همین دلیل امروز ایستگاه‌های اتوبوس در خیابان‌های آنکارا بسیار شلوغ بود. به مناسبت عید فطر، مغازه‌ها نیز اجناس خود را با درصدی تخفیف می‌فروشد.

۶

صبح چهارشنبه یازدهم مهر نماز عید به امامت حجت الاسلام والمسلمین زینتی در رایزنی برگزار شد. جمعیت نسبتاً خوبی از ایرانیان مقیم و فرهنگیان ایرانی و کارکنان سفارت در آنکارا، در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی گردآمده بودند. نماز عید را با ایشان خواندیم.

مسجد قوجاتپه

بعد از خوردن صبحانه، با ماشینی که سفارت جمهوری اسلامی در اختیارمان گذاشته بود، عازم گشت و گذار در شهر شدیم. نخستین جایی که برای بازدید رفتیم، مسجد قوجاتپه بود. مسجدی بسیار با عظمت و بزرگ. این مسجد به گفته امام جماعتش در سال ۱۹۶۷

آغاز به ساخت شده و طی بیست سال ساخت آن به پایان رسیده است.

امام جماعت مسجد، «اسماعیل جورشار» نام داشت. از حضور هیأت ما بسیار استقبال کرد. در داخل مسجد لوستر بسیار بزرگ و کروی شکلی آویزان بود. مسجد چند گلدسته بسیار بزرگ داشت. طول گلدسته‌ها بالغ بر صد متر است. همراه امام جماعت با آسانسور به بالای یکی از گلدسته‌ها رفتیم. از طریق درب کوچکی که به بیرون گلدسته راه داشت، بر روی نرده‌ای فلزی و حفاظی که اطراف آن قرار داشت، شهر آنکارا را تماشا کردیم. از آن بالا شهر آنکارا زیر پایمان بود. به دلیل گنجایش کم آسانسور، همراهان در چهار گروه سه نفره همراه، امام جماعت به بالای گلدسته رفتیم.

امام جماعت همراهان را به دفترش دعوت کرد تا لحظاتی با آنها سخن بگوید. وی در سخنانش بیشتر به تجلیل از آتاتورک پرداخت و آنگاه که از وی و وضعیت بد اجتماعی پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی سخن می‌گفت، اشک در چشمانش حلقه زده بود. وی از سختی‌هایی که بر مردم در سال‌های پایانی امپراطوری عثمانی رفته بود اشاره کرد و به نقش آتاتورک

در این میان تأکید داشت. وی گفت: آنگاه که امپراطوری عثمانی در جنگ به حمایت از آلمان و اتریش پرداخت، متفقین شکست خوردند و امپراطوری عثمانی از هم گسست. ترکیه توسط متحدین اشغال گشت و فشارهای زیادی بر مردم وارد شد. متحدین حتی از تجاوز به زنان نیز دست نمی‌شستند. مردم از ترس به کوه‌ها و جنگل پناه می‌بردند. در این هنگامه آتاتورک، که از افسران برجسته ارتش بود، گروه مستقلی از نظامیان را گرد هم آورد و به دفاع از میهن پرداخت. مقاومت‌های آتاتورک و یارانش با استقبال مردم روبه رو شد و با حمایت مردم از آنان، اندک اندک دشمنان از کشور رانده شدند تا روزی که ترکیه فعلی شکل گرفت. آتاتورک پس پیروزی و بیرون راندن اشغالگران، اعلام جمهوریت کرد و بنای جدید ترکیه را پایه گذاشت. از این رو مردم خود را وامدار آتاتورک می‌دانند. همراهان، از تمجیدهای امام جماعت مسجد نسبت به آتاتورک شگفت‌زده شده بودند. از دفتر امام جماعت مسجد بیرون آمدیم و با بدرقه وی وارد حیاط مسجد شدیم. در اطراف مسجد محوطه بزرگی قرار داشت که می‌گفتند مراسم تشییع شهدای طی مراسم خاصی از این

مکان انجام می‌گیرد.

مساجد حاج بایرام

سوار ماشین شدیم و روانهٔ مسجد حاج بایرام شدیم که در بافت قدیمی شهر قرار دارد. هنگام رفتن به سوی این مسجد، از چهار راه «گلزل آی» گذشتیم. در کنار این چهار راه پارکی قرار دارد که تجمعات سیاسی در آن برگزار می‌شود. در اطراف چهار راه، چند اتوبوس، مینی‌بوس و ماشین پلیس پارک بودند. مأموران پلیس بسیاری برای کنترل اعتراض لایک‌ها به اسلام‌گرایان، اوضاع را زیر نظر داشتند.

منطقه‌ای که مسجد حاج بایرام در آن قرار گرفته بسیار قدیمی همراه با خانه‌های کهن و بعضاً نیمه مخروبه بود. بخش‌هایی نیز ویران شده بود. مسجد در بالای تپه‌ای قرار داشت. مسجدی کوچک و تمام چوبی بود. پس از بازدید از آن به مقبرهٔ حاج بایرام که در کنار مسجد قرار داشت رفتیم. حاج بایرام از عارفان چند قرن پیش است. چند مرد و زن مشغول خواندن دعا در کنار مرقد او بودند.

آرامگاه آتاتورک

مکان بعدی که برای بازدید از آن رفتیم مقبرهٔ آتاتورک بود. در مسیر که به طرف مقبرهٔ آتاتورک می‌رفتیم، از کنار چند مکان تاریخی و کهن از جمله مجلس زمان آتاتورک گذشتیم که اکنون محل پذیرایی از میهمانان سیاسی خارجی در آنکاراست. یکی از همراهان می‌گفت این ساختمان همانند برخی از ساختمان‌های قدیمی در شهرتهران است که همهٔ آنها توسط آلمان‌ها ساخته شده‌اند. به همین دلیل معماری آنها یک شکل است.

آرامگاه آتاتورک بالای تپه‌ای قرار دارد که مشرف بر شهر آنکاراست. اطراف آن را فضای سبز پوشانده است. وسایلی نقلیه را به سمت بالای تپه راه نمی‌داند. خودرو ما پلاک سیاسی بود. به همین دلیل اجازهٔ ورود به محدودهٔ آرامگاه را یافت. برای ورود به آرامگاه باید از گذرگاه چند صدمتری که به صورت رواقی بدون سقف به محوطهٔ اصلی آرامگاه متصل می‌شد، می‌گذشتیم. در ابتدای دو طرف این مسیر دو اتاق قرار داشت. در یکی از آنها، ماکت آرامگاه و در دیگری عکس‌هایی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار زمان تأسیس جمهوری ترکیه قرار داشت. در محوطهٔ اصلی نیز قبر آتاتورک قرار داشت که

مخصوص حمل جنازهٔ آتاتورک و ماشینی که وی بر آن سوار می‌شده و همچنین لنجی که وی با آن در آب‌های ترکیه تردد می‌کرده است، به نمایش گذارده بودند.

در برابر هر ضلع از آرامگاه، مأمورانی با هیکل‌های درشت و با اسلحهٔ برنو ایستاده بودند. این مأموران چنان بی‌حرکت ایستاده بودند که گویی مجسمه‌اند. ابتدا فکر کردم مجسمه‌اند. با اندکی توجه و حرکت پلک چشم متوجه شدم مجسمه نیستند. بازدید کنندگان بسیاری در کنار آنها می‌ایستادند و عکس می‌گرفتند. نحوهٔ تعویض این مأموران را هم دیدیم. کسانی که باید جایگزین آنها می‌شدند، در یک ستون به طرف آنان می‌آمدند و طی تشریفات خاصی، فرد جدید جایگزین می‌شد و مأمور قبلی به ستون می‌پیوست و حاضران برای آنها کف می‌زدند.

از پله‌های محوطهٔ اصلی که پایین آمدیم سوار ماشین شویم، در فضای سبزی، پرچم ترکیه به زیبایی ترسیم شده بود. برخی از بازدید کنندگان در کنار آن عکس یادگاری می‌گرفتند. نکتهٔ دیگری که در این مکان قابل توجه بود، وجود مکانی برای کشیدن

با چند پله به صحن مجموعه متصل می‌شد.

قبر در زیر تالار بلندی به ارتفاع حدود پانزده متر قرار داشت. بازدید کنندگان پس از نزدیک شدن به قبر، که سنگ بزرگی روی آن قرار داشت و ادای احترام و گرفتن عکس یادگاری در کنار آن باز می‌گشتند. در طرف مقابل قبر آتاتورک، قبر «عصمت اینونو» قرار داشت. وی شخصیت دوم در زمان آتاتورک و رئیس جمهور پس از وی بوده است. در ضلع دیگر محوطه، سالن نمایش قرار داشت که در آن گزارش تصویری برای میهمانان ویژهٔ آرامگاه پخش می‌شود.

در ضلع چهارم آرامگاه، موزه‌ای قرار دارد که لوازم شخصی، همچون کفش، ساعت، جاسیگاری، کتاب‌های وی و ... به نمایش گذارده شده است. همچنین مجسمه‌هایی از او در مراحل مختلف زندگی‌اش و نیز صحنه‌هایی از جنگ‌هایی که آتاتورک در آنها شرکت کرده، باز سازی شده است. ازدهام بیش از اندازه در موزه که متشکل از چند تالار است و بخش‌هایی از آن در زیر زمین قرار گرفته، بازدید را با مشکل مواجه ساخته بود.

در قسمت‌هایی از محوطه نیز ماشین

سیگار و صرف نوشیدنی و خوردنی بود، تا محوطه آرامگاه در نهایت تمیزی و نظافت نگهداری شود.

مسجد محمدیه

مقصد بعدی مان بازدید از مسجد شیعیان آنکارا بود. این مسجد محمدیه نام داشت و در منطقه «پایلامحله‌سی» قرار داشت. این منطقه در حاشیه شهر آنکارا و در بلندی قرار دارد و محل مستضعف نشینی است. در مسیر رفتن به مسجد محمدیه، از زیر تله کابینی رد شدیم که میان دو تپه در داخل شهر در حال تردد بود. همچنین آبشار بسیار زیبایی در کنار میدانی قرار داشت و قلعه کهن و بزرگ «استراگون» در آن نزدیکی واقع شده بود.

حدود ساعت دو به مسجد شیعیان رسیدیم. در مسجد بسته بود. از رایزنی فرهنگی به آنها اطلاع داده بودند که ما برای بازدید خواهیم آمد. مشخص بود منتظرمان هستند. خیلی زود درب مسجد را باز کردند. مسجد، وضوخانه و دستشویی بسیار تمیزی داشت. در کنار روشویی‌های مخصوص وضو ساختن، چند سکوی پاشویی برای اهل سنت نیز ساخته بودند. مشخص بود اهل سنت نیز برای اقامه نماز به مسجد

شیعیان می‌آیند. مسجد متوسطی بود، نه خیلی کوچک و نه خیلی بزرگ. پس از خواندن نماز، آقای «سیدعبدالله» امام جماعت مسجد به حضاران خیر مقدم گفت و دعوت کرد تا دقایقی را در دفتر مسجد باشیم. در دفتر مسجد با حضور چند تن از شیعیان دقایقی را به گفت و گو پرداختیم. سیدعبدالله گفت دیروز برای همراهی با اهل سنت نماز عید فطر برگزار کرده‌ایم، ولی شیعیان روزه بوده‌اند. عید خود را امروز چهارشنبه همزمان با ایران می‌دانستند.

مسجد شیعیان همانند مساجد اهل سنت یک گلدسته داشت. سیدعبدالله می‌گفت هزینه این گلدسته را آیت الله هاشمی رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری اش داده است. وی تعداد شیعیان حاضر در حوالی مسجد را شش صد خانواده پیش‌بینی می‌کرد و گفت حدود دو هزار خانواده شیعی در آنکارا ساکن هستند. شیعیان آنکارا سه مسجد دارند که یکی از آنها در دست ساخت است.

سیدعبدالله می‌گفت در اینجا نیاز به کتاب‌هایی دارند که به ترکی استانبولی ترجمه شده باشد. می‌گفت کتاب‌های به زبان عربی در نزد خودشان موجود

ترکیه افزایش یافته است و هم گرایش به پوشش اسلامی فزونی گرفته است. در ترکیه سازمان دیانت ادارهٔ مساجد را برعهده دارد. این سازمان پس از وزارت آموزش و پرورش بیشترین کارمند را دارد. حدود نود هزار نفر در سازمان دیانت مشغول به کار هستند. همچنین سه هزار نفر هم در خارج از کشور به عنوان کارشناس فرهنگی در سفارتخانه‌ها به کار اشتغال دارند. ادارهٔ مساجد فقط بر عهده سازمان دیانت است و افراد نقشی در ادارهٔ مساجد ندارد. البته مساجد در ابتدا با کمک‌های مردم ساخته می‌شود، ولی پس از ساخته شدن، ادارهٔ آنها به سازمان دیانت واگذار می‌شود. این سازمان از زمان آتاتورک پایه‌گذاری شده است.

در ترکیه، تصویر ارائه شده از ایران همچون وضعیت افغانستان است؛ کشوری درگیر با بحران‌های داخلی و عقب مانده. حرکت اسلام‌گرایی در ترکیه در سال‌های اخیر با فعالیت‌های حزب رفاه به رهبری اربکان آغاز شد. تندروی اربکان در اسلام‌گرایی موجب برکناری وی شد. شاگردان وی که خود را دمکرات مسلمان می‌دانند، حرکت خود را آرام‌تر آغاز کردند. این گروه ضمن برقراری ارتباط با غرب و

این کتاب‌ها کم‌تر به کار عموم مردم می‌آید. پس از دقایقی حضور در دفتر مسجد، با بدرقهٔ سید عبدالله و همراهانشان خداحافظی کردیم. نشانی و شماره تلفن گرفتند که در تماس باشند. می‌گفتند تاکنون افراد بسیاری به اینجا آمده و پس از گوش کردن به نیازهای آن‌ها وعده‌هایی داده‌اند، ولی به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند.

ترکیه در یک نگاه

با عجله به خانهٔ فرهنگ جمهوری اسلامی بازگشتیم. ساعت ۳،۳۰ دقیقه با آقای پالیزدار رایزن فرهنگی قرار جلسه داشتیم. در مسیر که می‌آمدیم برای ناهار مقداری کباب ترکی خریدیم. پس از حضور در خانه فرهنگ با عجله ناهار خوردیم و با حضور همراهان و آقای پالیزدار رایزن فرهنگی و آقای حکیم پور نفر دوم رایزنی و آقای پروانه کارشناس رایزنی، جلسه‌ای برگزار شد. در جلسه، ابتدا آقای پالیزدار گزارشی از وضع موجود ترکیه ارائه کرد و در ادامه همراهان نکاتی را طرح کردند. آنچه در ذیل می‌آید خلاصه‌ای است از صحبت‌های وی و پاسخ به پرسش‌های دوستان که او داده است.

یکی از پژوهشگران خارجی اخیراً گفته است در سال‌های اخیر هم مساجد در

جلب حمایت آنان، توانستند مشکلات اقتصادی خود را حل کنند. غرب نیز از کمک به آنان دریغ نورزید و با سرمایه گذاری در ترکیه به رونق اقتصادی آنها افزود. ترکیه اکنون از طریق جلب جهانگرد، به مقطعی رسیده است که درآمدش از این طریق، از درآمد نفت بیشتر است. در سال‌های اخیر از طریق جذب سرمایه‌گذاری در صنعت جهانگردی و فرهنگ‌سازی و آموزش هتلداری، گام‌های بسیار بزرگی برداشته شده است. ورود و خروج جهانگرد به ترکیه بدون ویزا و اخذ ورودی و خروجی صورت می‌گیرد. برخی از حرکتهای تند اسلام‌گرایی در ترکیه پاسخ منفی داده است. اخیراً مجلس ترکیه لایحه‌ای را تصویب کرد که خانم‌ها برای ورود به دانشگاه‌ها در نوع پوششان آزاد باشند. با شکایتی که از تصویب این لایحه به دادگاه قانون اساسی ترکیه شد، موجب شد دادگاه به دلیل مغایرت آن با مبنای لائیکیتی ترکیه، حکم به بطلان این قانون بدهد. گفته می‌شود اگر اسلام‌گرایان در این مسأله تعجیل نمی‌کردند، ممکن بود در یکی دو سال آینده این قانون را به تصویب برسانند؛ بدون اینکه حساسیتی ایجاد شوند. البته اسلام‌گرایان از سوی

حامیان خود تحت فشار بوده‌اند که در این مقطع چنین لایحه‌ای را به تصویب رسانند. این حرکت موجب به تعویق افتادن چند ساله این کار شد. رفت و آمد جهانگرد به ترکیه به حدی شده است که در آنتالیا هر دو دقیقه یک هواپیما فرود می‌آید. البته سرمایه‌گذاری‌های خارجی و حمایت آنان در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. پیوستن به اروپا و تبلیغ آن، موجب فضای مساعد عمومی شده است. عدم دخالت ارتش در سیاست هم از فعالیت‌های اسلام‌گرایان بوده است که با مساعد شدن فضای عمومی به نفع آنان، بدین کار موفق شده‌اند. اخیراً هم منصب دبیری شورای امنیت ملی به غیر نظامیان واگذار شد. این هم از حرکتهایی است که حتی الامکان دخالت نظامیان را در امور کم می‌کند. در ترکیه خط قرمزهایی وجود دارد که هیچ کس در آنها وارد نمی‌شود. برخی از این خط قرمزها عبارت‌اند از: آتاتورک، لائیسزم و جمهوریت. جوّ ضد امریکایی در ترکیه بسیار شدید است. آقای احمدی نژاد رئیس‌جمهور ایران که به ترکیه آمد، یکی از دلایل استقبال فراوان از او، مواضع ضد امریکایی اوست. به دلیل علاقه

به جنبه‌های آموزشی و اخلاقی اهتمام دارند. مراکز نور در حدود چهل کشور شعبه دارند و روزنامه «زمان» به آنها تعلق دارند. جلسه تا حدود ساعت پنج بعد از ظهر به طول انجامید.

پس از جلسه با عجله وسایلمان را آماده کردیم تا به طرف فرودگاه آنکارا برویم. ساعت ۷,۳۰ پرواز داشتیم. از مرکز آنکارا تا فرودگاه سی کیلومتر فاصله بود. مکانی که ما در آن قرار داشتیم، نقطه مرتفع و انتهایی شهر بود و چهل کیلومتر با فرودگاه فاصله داشت. با عجله به فرودگاه آمدیم. نزدیک مغرب بود. فرودگاه بسیار خلوت، تمیز و زیبا بود. البته به مراتب کوچک تر از فرودگاه استانبول. پس از انجام مراحل مقدماتی، در سالن پرواز نماز خواندیم و سوار هواپیما شدیم. هواپیما بسیار کوچک بود و بیشتر آن خالی. حدود نیمی از مسافران همراهان یازده نفره ما بودند. هواپیما نیم ساعت زودتر از موعد مقرر پرواز کرد. از آنکارا تا تهران دو ساعت راه بود. شام را در هواپیما خوردیم. ساعت‌هایمان را نیم ساعت جلو کشیدیم. ساعت ترکیه با ایران نیم ساعت تفاوت دارد. حدود ساعت ده در فرودگاه امام خمینی فرود آمدیم. مراحل خروج به سرعت انجام

شدیدی که مردم نسبت به آتاتورک دارند، اگر احمدی نژاد بر سر مزار او حضور می‌یافت، در ترکیه همه حامی او می‌شدند.

احزاب در ترکیه نهادینه شده اند و حکومت از طریق آنها اداره می‌شود. بر خلاف ایران که احزاب نهادینه شده نیستند و بیشتر جریانات فکری هستند. حدود ده روزنامه جدی تأثیرگذار در ترکیه وجود دارد. بیش از نیمی از آنها متعلق به اسلام‌گرایان است. در کنار این روزنامه‌های جدی، روزنامه‌های دیگری نیز وجود دارند که بیشتر به انتشار آگهی‌های تبلیغاتی اهتمام دارند. در ترکیه حوزه‌های علمیه وجود ندارد. به جای آن مدارس تربیت خطیب و امام جماعت برای مساجد فعالیت می‌کند. حدود ۶۵ کانال تلویزیونی در ترکیه فعال اند که تنها چهار یا پنج تایی آنها دولتی اند.

در ترکیه جریانات فکری و نواندیشی فعالی وجود ندارد. کتاب‌های روشنفکران دینی بعضاً به زبان ترکی استانبولی ترجمه می‌شود. «فتح الله گولن» را نمی‌توان از روشنفکر به شمار آورد. او از واعظان مشهور ترکیه است و مراکزی را به عنوان مرکز نور تأسیس می‌کند و در این مراکز بیشتر

گرفت. قبل از ساعت یازده به سوی قم به حرکت درآمدیم و حدود ساعت دوازده در قم بودیم.

هر چند سفر بسیار کوتاه بود و سه شهر مهم ترکیه را دیدیم، ولی نکته‌های فراوانی در این سفر وجود داشت. برخی از نکته‌هایی که در لابلائی سفرنامه نیامد، در این بخش می‌آورم. این نکته‌ها برداشت‌های «شتابزده‌ای» است که در طول این سفر کوتاه از دیده‌ها و شنیده‌ها بدان دست یافته‌ام.

دیده‌ها و شنیده‌ها ۱. مساجد

مساجد ترکیه از بناهایی است که در بدو ورود نظر هر خارجی را به خود جلب می‌کند. استانبول معروف به شهر هزار مسجد یا هزار مناره است. اغلب مساجد استانبول از بناهای کهن عثمانی و با عظمت هستند. نمای ظاهر این مساجد با تأثیر پذیری از فرهنگ و معماری رم و یونان ساخته شده است. معماری داخل نیز تأثیرپذیرفته از فرهنگ اسلامی است و نزدیک به معماری مساجد ساخته شده در زمان سلاطین صفوی در ایران است. البته معماری مساجد ایران ظریف‌تر از آنهاست.

در کنار این مساجد، گلدسته‌ای بلند و گنبدی بزرگ همراه با گنبدهایی کوچک‌تر قرار دارد. گنبد بزرگ روی چهار ستون بسیار قطور قرار گرفته است و گنبدهای کوچک‌تر در اطراف گنبد اصلی قرار گرفته‌اند. سقف گنبد بزرگ در ارتفاع بسیار بلندی قرار دارد. در اطراف گنبد بزرگ نام پیامبر(ص)، ابوبکر، عمر، عثمان، علی(ع)، حسن(ع) و حسین(ع) حک شده است. این کلیشه حتی در مساجدی نیز که بتازگی بنا می‌شود نقش بسته است.

در اغلب این مساجد چراغ‌هایی که روشن است در نزدیکی کف مسجد قرار دارد. ابتدا فکر کردیم برای صرفه‌جویی در برق چنین تدبیری اندیشه‌اند، ولی بعد دریافتیم مکان‌هایی که در آنها شمع روشن می‌ساخته‌اند، همچنان حفظ شده است و اکنون به جای شمع، لامپ در آنها روشن می‌کنند. شمعدان‌ها هم برای این که بهتر نوررسانی کنند با فاصله کوتاهی از زمین آویخته می‌شده‌اند. همین سیستم نوررسانی که از سقف مساجد به وسیله زنجیرهایی آهنی آویزان بوده و در نزدیکی زمین به دایره‌ای فلزی متصل می‌گردد و لامپ‌هایی از آن آویزان است، همچنان حفظ شده است.

و اگر درودی هم بر پیامبر(ص) فرستاده می‌شود، حاضران به آرامی درود می‌فرستند و صدایی از کسی بر نمی‌آید.

۲. بناهای تاریخی عثمانی

عثمانیان در دوران حکومت خود بناهای تاریخی بسیاری را بنا نهاده‌اند. مساجد بزرگ و با عظمت به جای مانده، گوشه‌ای از آثاری است که از آنان به یادگار مانده است. به جز مساجد، بناهای بسیار دیگری در جای جای شهر استانبول به چشم می‌خورد. برخی از آنها از بین رفته است و اجزای باقیمانده آنها را به عنوان آثار تاریخی حفظ کرده‌اند. دیوارهای قلعه‌ها، گوشه‌هایی از این آثار تاریخی است که در مناطقی از شهر به چشم می‌خورد. از نمونه‌های با عظمت این آثار تاریخی، «توپ قاپی» و مسجد ایاصوفیا است. البته مسجد ایاصوفیا از آثار به جای مانده پیش از عثمانیان است که در گذشته کلیسا بوده است و پس از تصرف آن توسط عثمانیان، به مسجد تغییر می‌یابد.

مساجد یک شکل و با سقف‌های بلند، بنا شده‌اند. بر بام بلند سقف مساجد، گنبد‌های بزرگی بر روی پایه‌های

مسأله دیگر در مساجد، تمیزی آنهاست. در اطراف مسجد جا کفشی‌های چوبی با ارتفاع کم قرار دارد که کفش نمازگزاران در آنها نهاده می‌شود. در هنگام ورود به مساجد نیز پلاستیک‌های یک بار مصرف با کشیدن آن از محل مخصوص بیرون می‌آید و پس از خروج از مسجد در سطل‌های مخصوص قرار می‌گیرد.

در اطراف مساجد مکان‌هایی با نرده‌های کوتاه چوبی برای خانم‌ها اختصاص یافته است. ورودی این مکان‌ها که دور تا دور مساجد را معمولاً در بر می‌گیرد، از دو طرف درب ورودی مساجد آغاز می‌شود و تا دیوار رو به رو که به طرف قبله است ادامه می‌یابد.

در هنگام نماز مساجد شلوغ می‌شود و طنین اذان در شهرها می‌پیچد. نمازگزاران را همه سنین تشکیل می‌دهند. به جز افراد پا به سن گذاشته، جوانان بسیاری نیز برای اقامه نماز به مسجد می‌آیند و اغلب نماز را به جماعت می‌خوانند. کسانی که به نماز جماعت نرسیده‌اند، معمولاً یکی از آنها جلو می‌ایستند و دیگران پشت سر او نماز را به جماعت می‌خوانند.

در مساجد کاملاً سکوت برقرار است و کسی بلند صحبت نمی‌کند

قطور غنوده اند. حتی مسجدهای جدید التاسیس نیز همچون بناهای کهن ساخته می‌شوند. نمای بیرونی این مساجد بیشتر به کلیساها می‌ماند و تحت تأثیر تمدن و فرهنگ و معماری روم و یونان بنا شده‌اند. البته داخل این مساجد متأثر از فرهنگ اسلامی و شرقی است. در کنار اغلب مساجد مهم و عظیم، مقبره‌های پادشاهان عثمانی قرار دارند. مقبره‌ها نیز از بنای کهن و تاریخی برخوردارند. بر فراز مقبره‌ها، گنبد قرار دارد. بر روی گورها تابوت‌های بلندی نهاده شده است. بزرگی و کوچکی تابوت‌ها، حکایت از مقام آنها دارد. بر بالای تابوت‌ها نیز اغلب عمامه‌های بزرگ عثمانی قرار دارد. همچنین در کنار برخی از گورها شمعدانی‌های مخصوص بزرگ نهاده شده است که همچنان از گذشته حفظ شده‌اند. در برخی از این جاشمعی‌ها اکنون لامپ روشن می‌شود.

۳. دینداری در ترکیه

قبلاً شنیده بودم که دینداری در ترکیه و رونق مساجد بیش از ایران است، ولی تا کسی خود آن را نبیند نمی‌تواند درک درستی از مسأله داشته باشد. با آن که حکومت در ترکیه

لائیک است، ولی مرز میان دینداری و غیر آن کاملاً مشخص است. کسانی که پایبند به دین هستند کاملاً مرزها را رعایت می‌کنند. با این که هیچ اجباری هم وجود ندارد. فراوانی مساجد و شلوغی آنها در هنگام نماز جماعت، از نشانه‌های این مسأله است. مسأله دیگر حجاب خانم‌هاست. از چند نفر شنیدیم که بیش از ۷۵ درصد خانم‌ها حجاب اسلامی دارند. کسانی که برخوردار از حجاب هستند، پوشش اسلامی آنها کامل است و هیچ تار مویی از آنها بیرون نیست. پوشش اسلامی خانم‌ها، فقط اختصاص به خانم‌های پا به سن گذاشته ندارد، بلکه بانوان جوان نیز از همان پوشش برخوردارند. کسانی هم که بدون حجاب هستند، اغلب بلوز شلوار می‌پوشند.

مسأله دیگر در پوشش زنان، بخصوص کسانی که از حجاب برخوردار نیستند، لباس عادی و راحت آنان است. اغلب فاقد خودآرایی بوده و در پی جلب توجه دیگران نیستند. همین مسأله در پسران نیز دیده می‌شود. پسران نیز معمولاً لباس‌های عادی بر تن داشتند. چهره‌های غیر عادی که به دنبال جلب توجه دیگران باشند، کم‌تر دیده می‌شد.

۴. نظم شخصی و اجتماعی

در ترکیه سه لیره است. حدود ۲۵۰۰ تومان به پول ایران. دولت ترکیه علاوه بر دریافت هزینه واقعی بنزین که از خارج وارد می‌کند، مالیات نیز بر آن بسته است. به همین دلیل استفاده از وسایل نقلیه خصوصی مقرون به صرفه نیست. از همین رو مردم برای تردد اغلب از وسایل حمل و نقل عمومی بهره می‌جویند. سرویس‌دهی وسایل نقلیه عمومی نیز به سهولت انجام می‌گیرد. مترو، قطار شهری و بین شهری، کشتی، اتوبوس، بدون وقفه‌های طولانی آمادهٔ جابجایی مردم‌اند. هزینهٔ دریافتی وسایل حمل و نقل عمومی نیز پایین است. به جز اتوبوس که سوار آن نشدیم و از هزینه آن اطلاعی ندارم، بهای هر نوبت سوار شدن به مترو و قطار شهری و کشتی یک لیره حدود هشت صد تومان، حتی برای مسیرهای بسیار طولانی است. به جزیره‌ای که سفر کردیم و حدود یک ساعت و بیست دقیقه در کشتی بودیم و یا از فرودگاه تا مرکز شهر استانبول که حدود ۳۰ کیلومتر در مترو بودیم، همین هزینه دریافت می‌شد.

در استانبول و آنکارا، بزرگ راه‌های بسیاری وجود داشت. در این بزرگ راه‌ها و همچنین خیابان‌های کوچک‌تر،

مردم به رعایت قانون و حفظ نظام اجتماعی پایبند بودند. این نکته از سلوک مردم در رانندگی و استفاده از وسایل عمومی و نبود پلیس محسوس در جاده به دست می‌آمد. راننده‌ای که ما را از آنکارا به قونیه می‌برد، هر چه به او گفتیم سریع‌تر برود، گفت سرعت بیش از ۱۱۰ ممنوع است. با این که در طول مسیر ۲۵۰ کیلومتری پلیسی ندیدیم، وی از تقاضای ما سرباز زد. این روحیه در سوار شدن به قطار شهری، مترو و کشتی نیز کاملاً محسوس بود. با این که بر راحتی می‌شد بدون ارائه بلیط، سوار وسایل نقلیه شد، کسی را ندیدیم که چنین کند. وجود چنین فرهنگی می‌تواند از نشانه‌های توسعه یافتگی نیز باشد. در همین ارتباط مسأله دیگری که کاملاً قابل توجه بود، نبود مأموران انتظامی در سطح شهر و مأموران راهنمایی و رانندگی در چهار راه‌ها بود. مردم خود به قانون احترام می‌گذاشتند و نیازی به حضور محسوس آنان نبود.

۵. حمل و نقل عمومی

حمل و نقل عمومی به دلیل گرانی قیمت بنزین در ترکیه به سهولت انجام می‌گیرد. بهای هر لیتر بنزین

به دلیل فرهنگ استفاده از وسایل نقلیه عمومی، ترافیک قابل توجهی ندیدیم. تردد کم وسایل نقلیه شخصی موجب آلودگی کم‌تر شهرهای استانبول و آنکارا بود.

در سفرهای بین شهری نیز به آسانی می‌توان از قطارهای پیشرفته بهره جست. از این رو در مسافرت‌های میان شهری نیز کم‌تر از وسایل نقلیه شخصی استفاده می‌شود. مسیر رفت و برگشت حدود ۲۵۰ کیلومتری آنکارا تا قونیه را که با ماشین پیمودیم، جاده بسیار خلوت بود. مشخص بود که مردم در سفرهای بین شهری نیز از وسایل نقلیه عمومی بهره می‌جویند. در طول رفت و برگشت این مسیر پمپ بنزینی ندیدیم که بیش از یک ماشین در آن مشغول سوخت‌گیری باشد.

۶. پوشش عادی و راحت

مردم از پوشش عادی و راحتی برخوردار بودند. در ایران نوع پوشش لباس و به قول معروف کفش و کلاه مردم، نشانه شخصیت یا توان مالی آنهاست. بسیاری با پوشش خود در پی آن هستند که با ظاهری آراسته و ساختگی خود را به نمایش بگذارند. در ترکیه اغلب مردم حتی جوانان از

دختر و پسر، لباس‌های راحتی بر تن داشتند. در پسران نیز کم‌تر قیافه‌های نخراشیده و تراشیده دیدیم که به دنبال جلب توجه دیگران باشند. در دختران نیز همین‌طور. کم‌تر کسی را دیدیم که با خودآرایی در پی جلب توجه دیگران باشد. جهانگردان نیز با این نوع پوشش در همه جا حضور می‌یافتند؛ ساده و بی‌آلایش.

۷. فرهنگ تسامح

در میان مردم، فرهنگ تسامح رواج گسترده‌ای دارد. این فرهنگ به خصوص در هم‌زیستی میان اهل سنت و شیعیان کاملاً مشهود است. به اتفاق همراهان در مساجد اهل سنت حضور می‌یافتیم. مهر یا کاغذی که برای سجده می‌گذاشتیم، هیچ حساسیتی بر نمی‌انگیخت. می‌گفتند رواج فرهنگ تسامح میان اهل سنت و شیعیان، به دلیل قدمت همجواری و معاشرت علویان و اهل سنت است. همچنین تأثیرپذیری مردم ترکیه با غرب از طریق ارتباط آنان با اروپائیان به وسیله اتصال منطقه اروپایی استانبول با قاره اروپا. در این چند روزی که در ترکیه بودیم ندیدیم جایی میان مردم دعوا شود. راننده سفارت ایران در آنکارا

برگزاری دوره‌های هتلداری از کارهای زیر بنایی دیگری است که صورت گرفته است. پیشرفت در این حوزه به گونه‌ای بوده است که به گفته رایزن فرهنگی ایران در ترکیه، درآمد ترکیه از طریق جهانگردی، به بیش از درآمد برخی از کشورها از طریق صادرات نفت رسیده است.

فراوانی حضور جهانگردان در مکان‌های مختلف به وضوح دیده می‌شود. در بازدید از مکان‌های تاریخی همچون توپ‌قاپی و یا grand bazar استانبول، به جز جهانگرد کسی دیگری را نمی‌شود دید. در سایر بناهای تاریخی نیز انبوه بازدید کنندگان که از کشورهای مختلف بخصوص کشورهای اروپایی بودند به چشم می‌خوردند.

البته ناگفته نماند که ترکیه به جز سرمایه‌گذاری‌هایی که بخصوص در سال‌های اخیر در این زمینه داشته است و موفق هم بوده است، نمی‌توان از وجود بسترهای لازم در این کشور چشم فرو بست. بسترهایی همچون موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی و بناهای تاریخی فراوان که هر یک به نوبه خود جذابیت‌هایی است مورد توجه جهانگردان.

که ما را در بازدید شهر آنکارا همراهی می‌کرد، می‌گفت بیش از چهار سال است که در آنکاراست و تاکنون دعوایی میان مردم شهر ندیده است.

۸. صنعت جهانگردی

کشور ترکیه، عمده هزینه‌های خود را از طریق ورود جهانگرد به کشورش تأمین می‌کند. برای گسترش این صنعت، همه مقدمات لازم را فراهم دیده است. در گام نخست، ورود و خروج به این کشور بدون دریافت هیچ گونه هزینه‌ای با عنوان‌های ورودی و خروجی صورت می‌گیرد. همچنین نیاز به دریافت ویزا از قبل نیست. در هنگام ورود به این کشور با مهری که در گذرنامه می‌خورد به منزله دریافت ویزاست. ما برای خروج از ایران، مبلغ ۲۵۰۰۰ هزار تومان به عنوان هزینه خروج از کشور در فرودگاه امام خمینی پرداخت کردیم.

از فعالیت‌های دیگر ترکیه در صنعت جهانگردی، سرمایه‌گذاری لازم در این زمینه است که بعضاً با مشارکت کشورهای خارجی صورت گرفته است؛ زمینه‌هایی همچون ساخت هتل. همچنین فرهنگ سازی لازم در خصوص برخورد با جهانگردان و یا

۹. قیمت بنزین و تأثیرات آن

بهای بالای بنزین در ترکیه توابعی نیز در پی دارد. یکی از آنها خلوتی پمپ بنزین‌هاست. ما در این سفر پمپ بنزینی ندیدیم که بیش از یک ماشین در حال سوخت‌گیری باشد. مسأله دیگر آمد و شد آسان در خیابان‌ها و نبود ترافیک سنگین در خیابان‌هاست. نکته دیگر عدم آلودگی شهرها در اثر تردد بیش از اندازه وسایل نقلیه شخصی در خیابان‌هاست.

بهای گران بنزین موجب شده است تا مردم به استفاده از وسایل نقلیه عمومی روی آورند. البته ناگفته نماند که در ترکیه در این زمینه نیز بسترهای لازم فراهم آمده است و مردم به آسانی می‌توانند با وسایل نقلیه عمومی - اعم از مترو، قطار شهری و بین شهری و اتوبوس - به مقصدهای درون شهری و میان شهری خود برسند.

۱۰. محصولات کشاورزی

ترکیه در زمینه تولید محصولات کشاورزی پیشرفت فراوانی داشته است. عرضه انواع میوه‌ها با کیفیت خوب، نشان از برنامه‌ریزی در این زمینه دارد. میوه‌هایی که در ترکیه دیدیم از کیفیت بالایی برخوردار بود؛ مثلاً

کلابی، هلو، انگورهایی که در مغازه‌ها عرضه می‌شد، از کیفیت بسیار بالایی برخوردار بود. بهترین نوع میوه‌های یاد شده کیلویی ۱،۵ لیره فروخته می‌شد که با پول ایران کیلویی ۱۲۰۰ تومان بود. یکی از دوستان می‌گفت بازار وسیعی از اروپا در زمینه محصولات کشاورزی در دست ترکیه است.

۱۱. نامحسوس بودن مأموران

نکته دیگری که در این سفر نظرم را جلب کرد، تعداد کم و حضور نامحسوس مأموران قانون در خیابان‌ها بود؛ بویژه در مراکز جهانگردی. این مسأله حکایت از همدلی و اعتماد عمومی میان مردم و دولت داشت. به جز تجمعی که به عنوان اعتراض لائیک‌های ترکیه در آنکارا در مخالفت با اسلام‌گرایان در پارکی گرد آمده بودند و چندین اتوبوس و مینی بوس مأمور پلیس برای کنترل ماجرا در صحنه حضور داشتند، حضور چشمگیر مأموران را در جایی ندیدیم.

۱۲. حساسیت مردم در برابر

اسرائیل

مردم ترکیه حساسیت ویژه‌ای به اسرائیل و مسائل عمومی مسلمانان

جهان دارند؛ به طوری که هرگاه از ملیت ما با خبر می شدند، از مواضع ضد اسرائیلی مسؤولان ایرانی ابراز خشنودی می کردند؛ ولی از مسائل داخلی ایران و بویژه گفتمان ها و جریان ها خبری نداشتند.

۱۳. سرویس های بهداشتی

از نکات دیگری که در این سفر برایمان جالب توجه بود، دستشویی های تمیز موجود در کنار مساجد و سایر مراکز تاریخی بود که از آنها بازدید می کردیم. اغلب این دستشویی ها از طریق بخش خصوصی اداره می شد و در قبال استفاده از آنها مبلغی دریافت می گردید. این مبلغ به پول ما اندکی زیاد به نظر می آمد. ۷۵ قروش که سه چهارم یک لیره می شود. مبلغی حدود شش صد تومان به پول ایران.

دستشویی هایی که به صورت سنتی بود، نوعی آفتابه خاص در آنها وجود داشت. این ظرف ها دهان گشادی داشت و فاقد لوله بود. به هنگام استفاده از آنها همه آب به یک باره خالی می شد. و طهارت صحیحی با آن انجام نمی گرفت، آب بسیاری هم هدر می رفت.